

خاطرات خبرنگار جنایی

## بازسازی قتل توسط بیجه

مهدی ابراهیمی

پرونده بسیار تلخ بیجه و ماجرای قتل ۲۵ کودک در جنوب شرق پایتخت و پاکدشت هیچ‌گاه فراموش‌شدنی نیست. از روز نخست پیگیری این پرونده با خطوط قرمز و محدودیت‌های زیادی مواجه بودیم. هر روز سوار بر خودروی روزنامه به پاکدشت می‌رفتم، هیچ خیابان یا محله‌ای نبود که به آن سرک نکشیده باشم؛ از معدن مترو که که محل تجمع معتادان بود و بیجه که در آن جا یک‌زن و مرد را به قتل رسانده بود تا کوره‌های آجرپزی که اجساد کودکان در آن جا همراه تلی از آتش‌پودر می‌شدند. از سوی دیگر، تحقیقات از بیجه به صورت سری انجام می‌گرفت و خبرنگاران اجازه نداشتند با آن‌ها روبه‌رو شوند، به هر دری زدیم با این‌بست رو به روشدیم تا این که هیئت‌ی از قوه قضاییه مأموریت یافت وارد عمل شودو با شناسایی عاملان کوتاهی در این پرونده و تحقیق از بیجه و علی باغی پرده از جزئیات جنایات تلخ آنان بردارد.

انگار بخت با ما یار بود، اعضای این هیئت از دادسرای امور جنایی و دادگاه کیفری استان تهران که هر دو حوزه خبری متعلق به من بود، انتخاب شدند. باید فرصت را مغتنم می‌شمردیم، با سماحت بسیاری با رئیس هیئت تماس گرفتیم و خواست‌م نه تنها از روند تحقیقاتشان مطلع شوم بلکه بتوانم عکس‌های جدیدی از بیجه و علی باغی تهیه کنم. ابتدا نپذیرفت، دوباره اصرار کردم و شنیدم قرار است به همراه دو متهم به محل وقوع جنایات بروند.

من با دوربین عکاسی ام همراه یکی از راننده‌ها راهی شدم، در مسیر کنار کیوسک‌های تلفن کارتی توقف می‌کردیم و با کارت تلفن با تلفن همراه رئیس هیئت تماس می‌گرفتیم، چندبار احساس کردم سر کار هستم، البته بیراه هم نبود، به نشانی‌هایی که در اختیار قرار می‌گرفت، می‌رفتم و می‌شنیدم یک ساعت پیش دو متهم و ماموران آن جا بودند. بادلخوری بسیار به روزنامه برگشتم، ظهر بود که با ناامیدی به دبیر گروه حوادث اطلاع دادم هیچ همکاری با ما صورت نگرفته است، بزرگ‌ترین حسرت دبیرمان امیدی‌وری در عین ناامیدی بود، از من خواست دست از تلاش برندارم و دوباره با اعضای هیئت تماس بگیرم.

این که در یک روز دو بار به پاکدشت بروم بسیار خسته‌کننده بود اما هدف اصلی ما ارائه بهترین اخبار و عکس‌ها از ماجرای بیجه بود، دوباره تماس گرفتم این بار با عضو دیگری از هیئت صحبت کردم، قول داد با اعضای دیگر مشورت و سعی کند هماهنگی‌ها صورت بگیرد.

رئیس هیئت نیز وقتی شنید من با تکیه به داده‌های او ساعت‌ها در پاکدشت و قیام‌دشت سرگردان بودم مقداری ن‌ترم شد تا این که مجوز گرفتیم در صحنه بازسازی جنایات حاضر باشیم. اعضای هیئت اعلام کردند تا ۲۰ دقیقه دیگر برای بازسازی جنایت از ساختمان دادگستری پاکدشت خارج خواهند شد، زمان بسیار کم بود. این موضوع را به دبیر گروه اطلاع دادم مطمئن بودیم راننده بخش نقلیه روزنامه حساسیت زمان را کمتر از ما احساس خواهد کرد، به همین دلیل دبیرمان از من و حسین خانی خواست دوربین‌ها را برداریم و همراه او به



خونسر دترین قاتل سریالی پایتخت که در سه سناریوی متفاوت دو مرد و یک زن را به قتل رسانده بود برای اثبات وفاداری به همسرش، بینی و دو گوش زن کشته شده را به او هدیه داد. این قاتل که پس از دستگیری ادعا کرد نمی دانسته حکم قتل، قصاص است پس از سال‌ها زندان با دستور مقام قضایی به طناب دار آویخته شد.

### نخستین قتل

۴ مرداد ۹۳ بود که مرد کشاورز در تماس با پلیس از پیدا شدن جسد خونین یک جوان ۲۵ ساله در زمین کشاورزی اش خبر داد. به دنبال این خبر تیمی از ماموران به سرعت برای تحقیقات در محل حاضر شدند و در بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که این جوان هدف ضربات زیاد چاقو قرار گرفته است. تجسس‌ها ادامه داشت تا این که یک پراید بدون سرنشین در نزدیکی اتوبان خلیج فارس پیدا شد و ماموران پی بردند که صاحب پراید همان جوان به قتل رسیده است و با توجه به مدارک شناسایی داخل خودرو خانواده احسان ۲۵ ساله شناسایی شدند و در ادامه ماموران اطلاع یافتند که احسان در یک آژانس کار می‌کرده و هیچ خصوصی با کسی نداشته است. ردیابی‌ها ادامه داشت تا این که کارآگاهان با خبر شدند که احسان از چندی قبل با مرد جوانی به نام «مجید» اختلاف حساب مالی داشته است و

به این ترتیب ردیابی‌ها برای دستگیری تنها مظنون این پرونده آغاز شد اما هیچ سرخی از مرد جوان به دست نیامد.

### دومین جنایت

دو تحقیقات ادامه داشت تا این که روز ۳ آذر ماه جسد زنی جوان که به طرز هولناکی به قتل

رسیده بود پیدا شد و ماموران با حضور در منطقه یافت آباد مشاهده کردند که گوش و بینی زن جوان بریده شده و عامل جنایت با ضربات زیاد چاقو دست به قتل زن جوان زده است. مشخصات زن جوان شناسایی شد و تیم جنایی در این شاخه از کاوشگری‌ها شماره تلفن زن جوان را مورد بررسی قرار دادند و مشخص شد این زن بارها با شماره تلفن همراهی در تماس بوده است که تحقیقات در این مرحله حاکی بود که صاحب تلفن هم را مرد جوانی به نام مجید است.

### گوش‌های بریده یک‌زن

کارآگاهان در این بخش خانه مجید در شهرک اندیشه را مورد بررسی قرار دادند که با یک قوطی الکل که داخل آن دو گوش بریده شده بود روبه‌رو شدند و همین کافی بود تا مجید که اصرار بر بی‌گناهی داشت پرده از جنایت هولناک بردارد. مجید در اعتراف به نخستین قتل گفت: مدتی با احسان دوست بودم و هیچ

اختلافی با هم نداشتیم تا این که چندی قبل احسان به من بدهکار شد و پولم را نمی‌داد و چندبار از او خواستم تا پولم را پس بدهد اما او چنین نکرد به همین دلیل او را در اتوبان خلیج فارس با چاقو به قتل رساندم و گوشی تلفن همراه و پول هایش را به سرقت بردم تا همه فکر کنند احسان به خاطر سرعت، هدف قتل قرار گرفته است. مرد خشن درباره جزئیات قتل زن جوان نیز گفت: چندی قبل قصد داشتم خودرویم را به فروش برسانم و شماره تلفنم را پشت شیشه‌آن چسباندم تا این که زن جوانی به نام نازنین با من تماس گرفت و از همان روز با هم آشنا و دوست شدیم و چند ماهی با هم در ارتباط بودیم تا این که همسرم متوجه دوستی ما شد. وی افزود: همسرم باردار بود وقتی متوجه خیانتم شد با من قهر کرد و به خانه پدرش رفت به همین خاطر من عصبانی شدم و با نازنین قرار گذاشتم و از او خواستم تا به دوستی ما پایان دهیم اما او نپذیرفت و وقتی دیدم اصرار دارد به دوستی ما ادامه دهیم با ضربات چاقو او را به قتل رساندم و برای اثبات وفاداری به همسرم گوش و بینی نازنین را بریدم و داخل قوطی الکل گذاشتم و به خانه بردم و به همسرم دادم و اثبات کردم که دیگر به او خیانت نمی‌کنم.

### سومین جنایت

در حالی که تحقیقات از مرد خشن ادامه داشت زن پای در اداره پلیس گذاشت و از جنایت دیگر همسرش پرده برداشت. زن جوان گفت: چندی قبل همسرم وسایل داخل خودرو دو گوشی تلفن همراه به خانه آورد و ادعا کرد این وسایل متعلق به یکی از دوستانش است و او به صورت امانت آن‌ها را به خانه آورده است تا این که تصویر پسر جوانی را روی صفحه یکی از گوشی‌های تلفن همراه دیدم. وی افزود: به یاد آوردم که عکس پسر جوان را چندی قبل وقتی از خیابان عبور می‌کردم روی یک حجله دیدم و از اهالی محل شنیدم این پسر جوان به قتل رسیده و وسایلیش به سرقت رفته است. در این مدت سکوت کردم و با کسی حرفی نزدم تا این که فهمیدم همسرم مرتکب دو قتل شده است و احتمال می‌دهم این پسر جوان را هم به قتل رسانده باشد. مجید را دیگر هم بازجویی قرار گرفت و وقتی خود را در برابر مدارک پلیسی دید به ناچار پرده از سومین جنایت اش برداشت. قاتل سریالی در این مرحله به ماموران گفت: با اصغر هم اختلاف مالی داشتم و به همین دلیل او را به قتل رساندم و وسایل داخل خودرو و تلفن همراهش را به سرقت بردم و فکر نمی‌کردم این جنایت‌ها فاش شود.

### دادگاه کیفری

اعترافات هولناک این قاتل خونسرد کافی بود تا روز ۲۳ بهمن ۹۵ در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمد باقر قربان زاده مورد محاکمه قرار گیرد. در ابتدا خانواده سه قربانی این جنایت

## بررسی حوادث

او گوش بریده یک زن را به همسرش هدیه داد

# اعدام خونسر دترین قاتل سریالی تهران



### تحلیل کارشناس

## تربیت خشونت

**دکتر کاظم قجاوند** جامعه‌شناس و استاد دانشگاه قتل به عنوان خشن ترین رفتار اجتماعی در سال‌های اخیر در همه کشورها روند و به افزایشی داشته است متأسفانه به دلیل کاهش تحمل و صبوری افراد، خشن ترین رفتار ممکن در مواجهه با خصومت ها و انتقام گیری به شکل قتل دیده می‌شود اغلب این افراد به گروه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال تعلق دارند و متأسفانه به دلیل ناآشنایی با مهارت های زندگی و مدیریت خشم، رفتار انتقام جویانه خود را فقط در قالب از بین بردن آن فرد در نظر می‌گیرند. اغلب قاتلان اظهار می‌کنند که از قبل برنامه ای برای کشتن آن فرد نداشته‌اند و فقط قصدشان ترساندن یا تهدید مقتول بوده است اما به دلیل بالا رفتن آستانه خشم و کاهش تحمل و تاب‌آوری این افراد، معمولاً نزاع و درگیری شدیدی رخ می‌دهد و ناخواسته فرجه قتل می‌رسد.

این افراد معمولاً در دوران کودکی تنبیه بدنی شد پیدا شده‌اند حسن انتقام گیری از جامعه‌همواره با این افراد بوده‌است و روشی غیر از انتقام گرفتن را نیاموخته‌اند. این افراد خیلی زود دچار خشم انی می‌شوند و نمی‌توانند روش دیگری را برای اصلاح روابط شان با فرد مقتول به کار گیرند در چنین شرایطی معمولاً با استفاده از اسلحه سرد اغلب درگیری می‌شوند و فرد را از پای درمی‌آورند و در اغلب موارد حسن ناموس پرستی و احساس غیرت به ناموس، یکی از دلایل و انگیزه های اصلی قاتلان به شمار می‌رود.

عمدتاً این افراد در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که توجه عاطفی کمی در یافت کرده‌اند و همواره برای برآورده شدن خواسته‌های شان با جواب های منفی مواجه شده‌اند آن‌ها اغلب در دوران تحصیل ناموفق بوده‌اند و دچار طرد اجتماعی شده‌اند این افراد الگوی مناسبی برای حل مشکلات خود جز درگیری و خشونت تجربه نکرده و عمدتاً شاهد درگیری شدیدا اعضای خانواده در دوران کودکی بوده‌اند مجموعه این عوامل وضعیت دشواری را از نظر تربیتی برای قاتلان فراهم کرده‌است که سبب می‌شود به راحتی در بزرگسالی رفتارهای خشن از خود بروز دهند و قتل را تجربه کنند.

هولناک در خواست قصاص برای مجید داشتند سپس مجید در جایگاه قرار گرفت و به قتل دو مرد و یک زن اعتراف کرد. این قاتل خونسر د گفت: ۳ مرداد بود که دیدم احسان پولم را پس نمی‌دهد با ضربات چاقو او را به قتل رساندم و پول و ضبط خودرویش را دزدیدم و روز ۲۷ مهر بود که با اصغر به اتوبان خلیج فارس رفتم. اصغر که شیشه مصرف کرده بود شروع به فحاشی به من کرد که با هم درگیر شدیم و با چاقو او را به قتل رساندم و گوشی تلفن همراهش را هم دزدیدم. مجید ادامه داد: نازنین هم قصد نداشت از من جدا شود به همین دلیل با توجه به این که همسرم با من قهر کرده بود او را با ضربات زیاد چاقو به قتل رساندم و سپس بینی و گوش هایش را بریدم و به عنوان هدیه برای همسرم بردم. این قاتل سریالی آن قدر خونسر د و راحت درباره قتل‌ها صحبت می‌کرد که گویا کاری انجام نداده است و جالب این که در پایان دادگاه از قضاوت و خانواده اولیای دم‌خواست که او را به خاطر فرزند دو ساله‌اش ببخشند تا فرزندش بدون پدر بزرگ نشود و در ادامه ادعای عیبی را پیش روی قضات قرار داد و گفت: نمی‌دانستم مجازت قتل، قصاص است. در پایان این دادگاه قاضی پرونده، مجید را که زمان جنایت ۲۵ سال داشت و بارها به دلیل درگیری، مواد مخدر و تجاوز به زندان رفته بود در این سه پرونده قتل به سه بار قصاص، سه سال زندان، ۷۴ ضربه شلاق به خاطر سرقت از احسان و ۷۴ ضربه شلاق به دلیل سرقت از اصغر، ۹۹ ضربه شلاق به دلیل رابطه پنهانی با نازنین و پرداخت دیه به خاطر جنایت بر میت محکوم کرد و این حکم در شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت و مجید در صف انتظار ماند.

### اجرای حکم

مجید پس از سال‌ها انتظار که در زندان بود سحرگاه روز چهارشنبه ۲۳ مرداد پای چوبه دار رفت و مقام قضایی که همراه اولیای دم در زندان حضور داشت پس از خواندن حکم صادر شده از سوی دادگاه کیفری دستور اجرای حکم را صادر کرد و پرونده این قاتل سریالی با طناب دار بسته شد.

مهندس ساختمان زدم و همین ادعای دروغین باعث شد از او کینه به دل بگیرم. وی افزود: شامگاه یک شنبه ساعت ۱۲ بود که او را از خواب بیدار کردم و سه ضربه با میلگردی که در دستم بود به سرش زدم و پا به فرار گذاشتم. قاتل جوان ادامه داد: پس از قتل به ریاط کریم‌رفتم و در یک کارخانه ذوب میلگرد مشغول کار شدم تا این که محل کارم را پیدا کرد و دندو دستگیر شدم.

شده است. ردیابی‌ها برای دستگیری این جوان متمرکز شد تا این که روز جمعه ۲۵ مرداد قاتل ۲۴ ساله دستگیر شد. عامل این جنایت به ماموران گفت: پنج‌ماه قبل از افغانستان به تهران آمدم و در ساختمان نیمه‌کاره شروع به جوشکاری کردم و شب‌ها در همان جامی خوابیدم که چندی قبل یکی از دوستانم که در ساختمان بنایی می‌کرد گفت که من زیر آتش را پیش

جوان جوشکار در کینه‌ای بچه‌گانه در ساختمان نیمه‌کاره با یک میلگردست به قتل کارگر بن‌ازد. شامگاه یک‌شنبه ۲۰ مرداد امسال ماجرای قتل پسر جوانی در یک برج نیمه‌ساز در شمال تهران به پلیس تهران مخابره شد. با توجه به ناپدید شدن یکی از کارگران برج نیمه‌کار مشخص شد که جوان ۲۴ ساله‌ای که جوشکار ساختمان است پس از قتل کارگر بنا ناپدید

## قتل کینه‌جویانه در برج شمال تهران

دختر و پسر نوجوانی در اتاق اجاره‌ای مسافر خانه به استقبال مرگ رفتند. صاحب یک مسافر خانه که اتاقی را به دختر و پسر نوجوانی اجاره داده بود دیروز در حالی‌پای میز محاکمه ایستاد که دختر و پسر نوجوان در اتاق اجاره‌ای با خوردن قرص برنج به استقبال مرگ رفته بودند اما معجزه آسا زنده ماندند.

### خودکشی دختر و پسر نوجوان

رسیدگی به این پرونده از اوایل تابستان امسال به دنبال شکایت پدر و مادر یک دختر ۱۳ ساله به نام آویسا آغاز شد. آن‌ها که به پلیس آگاهی رفته بودند از پسر ۱۵ ساله‌ای که دخترشان را در یک مسافر خانه در حوالی میدان شوش آزار داده بود شکایت کردند. با این شکایت پلیس ماجرا را پیگیری کرد و آویسا به پزشکی قانونی معرفی شد. در حالی که پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کرده بود این دختر مورد آزار قرار گرفته است مادری به ماموران پلیس گفت: مدتی بود به رفتارهای دخترم مشکوک شده بودم. او زمان زیادی را در فضای مجازی می‌گذراند. چند بار به او تذکر داده بودم اما گوشش بدهکار نبود. حتی دخترم چند بار به بهانه رفتن به خانه دوستانش دیر از مدرسه به خانه برگشت. تا این که به رابطه پنهانی او با یک پسر ۱۵ ساله به نام امین پی‌بردم. من چند بار از دخترم خواستم تا رابطه‌اش را با امین تمام کند اما آویسا می‌گفت آن‌ها فقط در فضای مجازی با هم در ارتباط هستند.

وی ادامه داد: چند روز پیش دخترم از یک مسافر خانه در حوالی میدان شوش

با من تماس گرفت و گفت با امین به آن جا رفته است و قصد دارد با خوردن قرص برنج به زندگی اش پایان دهد. من که از شنیدن این حرف شوکه شده بودم ماجرا را به همسرم گفتم و بلافاصله به آدرس مسافر خانه‌ای که آویسا داده بود رفتم. دخترم و امین در اتاق اجاره‌ای قرص برنج خورده بودند. بلافاصله آن‌ها را به بیمارستان رساندیم که خیلی زود تحت درمان قرار گرفتند و معجزه‌آسا زنده ماندند. حالا از امین که دختر مرا اغفال کرده و آزار داده است و همچنین از صاحب مسافر خانه‌ای که اتاقی را به آن‌ها اجاره داده بود شکایت دارم.

### با داشت مرد مسافر خانه دار

به دنبال این شکایت امین ۱۵ ساله که به تازگی از بیمارستان ترخیص شده بود بازداشت شد اما ادعا کرد آویسا با میل خودش همراه او به مسافر خانه رفته بود. صاحب مسافر خانه نیز که مردی ۴۰ ساله به نام امیر بود بازداشت شد و آن‌ها دیروز در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستادند.

در ابتدای جلسه پدر آویسا به تشریح شکایت اش پرداخت و برای امین به اتهام آزار دخترش و برای صاحب مسافر خانه به اتهام معاونت در زنا مجازات خواست.

سپس دختر ۱۳ ساله در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: یک‌روز که از مدرسه به خانه برمی‌گشتم امین را دیدم. او شماره تلفن اش را به من داد و از من خواست تا با او تماس بگیرم و این شروع آشنایی ما با هم بود. بعد از آن امین مدام در

# تراژدی وحشت دختر و پسر نوجوان در مسافر خانه

تلگرام بر ایم پیام می‌فرستاد و به من ابراز علاقه می‌کرد. او با حرف هایش مرا فریب داد و از من خواست تا با هم رابطه برقرار کنیم اما قبول نکردم تا این که او مرا به مسافر خانه‌ای کشاند و آن جا مرا آزار داد. سپس از من خواست تا با هم قرص برنج بخوریم و خانواده هایمان را تهدید به خودکشی کنیم تا برای ازدواج ما با هم راضی شوند.

سپس پسر ۱۵ ساله به دفاع پرداخت و گفت: من در راه مدرسه با آویسا آشنا شدم و با هم تلگرامی در ارتباط بودیم. من مسافر خانه‌ای را می‌شناختم که اتاق هایش را اجاره می‌داد اما پولی برای اجاره اتاق نداشت. به همین دلیل یک هفته بعد از آشنایی ما موضوع را به آویسا گفتم و او کارت عابر بانک مادرش را برداشت و همراه ما آمد. ما مبلغ ۱۳۰ هزار تومان در ازای اجاره اتاق به صاحب مسافر خانه دادیم. من آویسا را آزار ندادم و او با میل خودش با من رابطه برقرار کرد. چون می‌دانستیم خانواده هایمان به ازدواج ما با هم راضی نمی‌شوند تصمیم گرفتیم قرص برنج بخوریم. ما با خانواده هایمان تماس گرفتیم و سپس قرصی را که از قبل تهیه کرده بودیم خوردیم.

سپس صاحب مسافر خانه به دفاع پرداخت و متکر اتهام معاونت در زنا شد. وی گفت: قبول دارم اتاقی را به دختر و پسر نوجوان اجاره دادم اما نمی‌دانستم آن‌ها با هم محرم نیستند.

وی ادامه داد: دختر نوجوان حالا ادعای کند امین او را آزار داده است اما من شاهد بودم او بار ضایت خودش به مسافر خانه‌ام آمد و حتی پول اجاره اتاق را نیز از کارت عابر بانکی که همراه داشت به من پرداخت. بنابر این گزارش، در پایان جلسه قضاوت وار دشور شدند تا رای صادر کنند.